

نقش شبکه‌های اجتماعی در شکستن انحصار رسانه‌های دولتها از نگاه نظریه پردازان ارتباطات اجتماعی

روانبخش محمدی پشتهانی^۱ - اصغر پرتوی^۲ - ابوالقاسم طاهری^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۵/۲۰ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۶/۷

چکیده:

تکنولوژی ارتباطات با رشد عظیم و چشمگیری روبرو شده است. این تحولات حامل پیامد- های مهمی هم برای ارتباطات و هم برای روابط اجتماعی‌اند. انقلاب اطلاعاتی و ارتباطی نوید جهشی بزرگ رو به جلو را می‌دهد. هر فرد با در اختیار داشتن حداقل امکان از جمله، یک گوشی تلفن همراه می‌تواند نقش اثرگذاری در فضای ارتباطی داشته باشد و جریان یک سویه اطلاع رسانی را بشکند. به اعتقاد صاحب نظران ارتباطات، شبکه‌های اجتماعی باعث شکل‌گیری مفاهیمی همچون صمیمیت و اعتماد در فضای سایبری شده است، مفاهیمی که در گذشته‌ای نه چندان دور دستیابی و تحقق آن در حد یک رویا بود. این جهش و دگرگونی در دنیای ارتباطات سوالات زیادی را در اذهان متبادر می‌سازد از جمله اینکه تاثیر اجتماعی و فرهنگی رسانه‌های جدید چه خواهد بود؟ پی آمدهای ظهور رسانه‌های جدید و شبکه‌های اجتماعی چیست؟ ابزار و شیوه‌های جدید ارتباطی چه تاثیری بر فرایند ارتباطات رسمی خواهد داشت؟

از این رو در مقاله حاضر، محقق، با استفاده از روش توصیفی - اسنادی، نقش شبکه‌های اجتماعی در شکستن انحصار رسانه‌های دولتها را از نگاه نظریه پردازان ارتباطات اجتماعی مورد تحلیل و بررسی و مذاقه قرار داده است.

واژگان کلیدی: رسانه، شبکه‌های اجتماعی، انحصار رسانه‌ای دولتها

^۱ - دانشجوی دکتری، علوم سیاسی (گرایش جامعه‌شناسی سیاسی)، دانشکده الهیات، حقوق و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

ravanbakhshmohammadi@yahoo.com

^۲ - استادیار و عضو هیئت علمی، گروه علوم سیاسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران: نویسنده مسئول
asgpar@yahoo.com

^۳ - استاد تمام و عضو هیئت علمی، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

a-taheri@srbiau.ac.ir

مقدمه

انسان موجودی اجتماعی است و از ابتدای خلقت به دنبال اجتماعی زیستن بوده است. یکی از محیط‌های اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی هستند که افراد در این محیط با هم به داد و ستد اطلاعاتی می‌پردازند. شبکه‌های اجتماعی، فارغ از انواع دسته بندی‌ها و یا نقطه آغازین برای ظهور و نمود آنها در دنیای مدرن یا سنتی، از نظر گاه یک رسانه، نقش‌ها و ویژگی‌های متمایز از سایر رسانه‌های دیگر دارند. شبکه‌های اجتماعی، نسل جدیدی از پایگاه‌هایی هستند که این روزها در کانون توجه کاربران شبکه‌های جهانی اینترنت قرار گرفته‌اند. اینگونه پایگاه‌ها بر مبنای تشکیلات آنلاین فعالیت می‌کنند و هر کدام دسته‌ای از کاربران اینترنتی با ویژگی خاص را گرد هم می‌آورند. شبکه‌های اجتماعی گونه‌ای از رسانه‌های اجتماعی هستند که امکان دستیابی به شکل جدیدی از برقراری ارتباط و به اشتراک گذاری محتوا در اینترنت را فراهم آورده‌اند. دستاوردهای بشر از صنعت و فناوری‌های نوین علاوه بر منافع و قابلیت‌هایی که برای بشر داشته و رفاهی که برای او به ارمغان آورده است، همواره آسیب‌هایی را نیز به همراه داشته است. اگر چه بسیاری از ابداعات و نوآوری‌ها با انگیزه تامین رفاه و آسایش و تحکیم ارزش‌های انسانی و در جهت نیل به کمال شکل گرفته است، اما در عین حال به دلیل برخی کج فکری‌ها و استفاده‌های نادرست از ابزارهای جدید، این اختراعات، گاه جسم، جان، اخلاق و روان انسان - ها را مورد آسیب قرار داده و گاه فرهنگ و اعتقادات و رفتارهای اجتماعی وی را دگرگون کرده است. (محمودی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۸)

رشد شتابان فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی علاوه بر فراهم آوردن امکانات ارتباطی و دسترسی بشر به اطلاعات در حجمی که قابل مقایسه با هیچ عصری از زندگی بشر نیست، الگو- های ارتباطات فردی، گروهی و جوامع را نیز دچار دگرگونی، تحول و تکامل نموده‌اند. شکل- گیری فضای مجازی در کنار جهان فیزیکی و حضور انبوهی از انسان‌ها در هر دو فضا، انقلابی در فرآیند ارتباطات و فرهنگ بوجود آورده است. شناخت و توصیف این فرآیند و فرهنگ نوین ارتباطی و اثرات آن بر ساختارهای مختلف نیازمند مطالعات وسیع و گسترده است. (امیدوار، ۱۳۹۱: ۳)

در سال‌های اخیر شبکه‌های اجتماعی با سرعت زیادی گسترش یافته‌اند و در مدت زمان کوتاه به سرعت رشد کرده‌اند. در واقع، شبکه‌های اجتماعی مجازی، ترکیبی از ابزارهای سخت افزاری و نرم افزاری هستند که اجازه تبادل آسان، فوری، گسترده، ارزان و مطمئن اطلاعات را به افراد

می‌دهند. به طور خاص، اینگونه شبکه‌های اجتماعی امکان دسترسی به اطلاعات خاص مرتبط با حوزه‌های گوناگون را فراهم می‌کنند. در شبکه‌های اجتماعی مجازی، اشخاص می‌توانند اطلاعاتی را ارائه کرده (با گذاردن پست‌هایی روی بلاگ‌ها یا دیگر شبکه‌های اجتماعی) یا اطلاعاتی را به دست آورند (جستجو در اینترنت یا طرح سؤالاتی در شبکه اجتماعی) به عبارت دیگر، شبکه‌های اجتماعی مجازی «شبکه‌های ارتباطات و الگوهای تماسی هستند که به واسطه جریان‌های پیام‌ها، در میان ارتباط گران در زمان و مکان ایجاد می‌شوند». (محمودی و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۴) لذا شبکه‌ها جریان‌ها را پردازش می‌کنند. جریان‌ها، اطلاعات جاری میان گروه‌ها هستند که از طریق کانال‌های ارتباطی میان گروه‌ها منتقل می‌شوند. از این رو نویسنده معتقد است: که شبکه‌های اجتماعی در توسعه‌ی دموکراسی نقش اساسی دارند و در این زمینه بسیار حائز اهمیت هستند.

موضوع تحقیق از آن جهت اهمیت دارد که، تاثیرگذاری شبکه‌های اجتماعی طی سال‌های اخیر در فضای جامعه و گرایش روز افزون مردم بویژه جوانان به استفاده از این شبکه‌ها و از آن جایی که شکستن انحصار رسانه‌ای دولت‌ها از مباحث مهم و اثرگذار در مباحث وسایل ارتباط جمعی و جامعه‌شناسی سیاسی است، بررسی این موضوع می‌تواند به ما کمک کند تا تحول مهم شکسته شدن انحصار رسانه‌ای دولت‌ها را بررسی نماییم. همچنین این تحقیق می‌تواند تامل مجدد در سیاست‌های رسانه‌ای دولت‌ها که برخی از مهمترین آنها در حال حاضر انحصاری هستند را نیز برانگیزد.

ادبیات تحقیق

اولین سایت شبکه اجتماعی به شیوه امروزی، شبکه اجتماعی آنلاین به نام سیکس دیگیز^۱، در سال ۱۹۹۷ به وجود آمد. علیرغم موفقیت این شبکه، که در سال‌های پایانی دهه ۹۰ دارای میلیون‌ها کاربر بود، این سرویس در سال ۲۰۰۰ به کار خود پایان داد، چرا که نتوانست به عنوان یک شبکه اجتماعی آنلاین، یک مدل تجاری پویا برای کاربرانش ارائه دهد. در سال‌های بین ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۱ یک سری از شبکه‌های اجتماعی آنلاین نظیر ایشین اونیو^۲، بلک پلانت^۳، می‌گنته^۴، یا لایو ژوال^۱، شروع به ارائه ترکیبات مختلفی از عملکردهای فنی نظیر ایجاد

¹ - Six Degees

² - Asian Avenue

³ - Black- plante

⁴ - Migente

پروفایل‌ها، فهرست دوستان و دفاتر یاد بود بازدید کنندگان و موارد دیگری در سرویس‌های خود کردند. در سال ۲۰۰۱ و با پیدایش رایض ۲، اولین شبکه مربوط به کسب و کار به وجود آمد. عملکرد این شبکه ایجاد روابط تجاری بین کاربران و پشتیبانی از این ارتباطات بود و سرانجام به الگویی برای شبکه‌های تجاری به وجود آمده و در سال‌های بعد نظیر شبکه سینگ ۳ تبدیل شد. به فاصله کوتاهی پس از آن و در سال ۲۰۰۲، شبکه معروف فرندستر به عنوان رقیبی برای وب سایت‌های آنلاین داتینگ ۴ و سودآوری نظیر مچ دات کام ۵ تاسیس شد. فرندستر هر چند تا آغاز سال ۲۰۰۴ بزرگترین شبکه اجتماعی در اینترنت محسوب می‌شد، اما به دلیل مشکلات فنی و اجتماعی، تعداد کثیری از کاربران را از دست داد و لذا، از این شبکه به عنوان بزرگترین بازندگان دنیای اینترنت یاد می‌کنند. این سال‌های آغازین، سرانجام به زیر-بنایی برای پیدایش شبکه‌های اجتماعی آنلاین و محبوب دیگری مثل مای اسپیس، فیس بوک یا استادی وی زد ۶ تبدیل شد که از سال ۲۰۰۳ به طور مداوم پدیده شبکه‌های اجتماعی آنلاین را برجسته می‌سازد. کلای شرکی ۷، تحلیلگر نرم افزارهای اجتماعی، رشد و توسعه شبکه‌های اجتماعی آنلاین را بر اساس پیدایش اولیه آنها، با عبارت YASNS (باز هم یک سرویس شبکه اجتماعی دیگر) توصیف می‌کند. در سال ۲۰۰۳ شبکه مای اسپیس در امریکا تاسیس شد که تا امروز از بزرگترین و معروف‌ترین شبکه‌هایی است که در سطح دنیا در حوزه موسیقی به فعالیت می‌پردازد. این پایگاه برای هنرمندان و گروه‌های موسیقیایی این امکان را فراهم می‌سازد که بتوانند فضای شخصی خود را بسازند و از این طریق با مخاطبان و مشوقان خود در فضای مجازی ارتباط برقرار کنند. این موضوع، در ابتدا بزرگترین عامل موفقیت برای این شبکه محسوب می‌شد. یک سال بعد، یعنی در سال ۲۰۰۴ شبکه دیگری به نام فیس بوک پا به عرصه گذاشت که تاکنون نیز موفقیت‌های چشمگیری داشته است. این شبکه، توسط مارک زاکربرگ ۸ در دانشگاه هاروارد طراحی و ساخته شده است. در ابتدا فقط دانشجویان آن دانشگاه مخاطب این شبکه بودند، اما با گام‌هایی که در جهت توسعه این شبکه برداشته شد، به شبکه‌های جهانی

¹ - Livejournal

² - Ryze

³ - Xing

⁴ - Online- Dating

⁵ - Moch.com

⁶ - Studivz

⁷ - Clay Shirky

⁸ - Mark Zuckerberg

تبدیل شد و هم اکنون به دانشجویان و کاربران مختلف در دیگر نقاط جهان نیز خدمت رسانی می‌کند. این جاست که نقش شبکه‌های اجتماعی آنلاین، که به یکی از قدرتمندترین رسانه‌های جهانی در زمینه ارتباطات مبتنی بر فناوری اطلاعات تبدیل شده‌اند. مشخص می‌شود. (محمودی و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۶-۳۵)

کاربران اینترنتی ایرانی در استفاده از شبکه‌های اجتماعی همپای کاربران سراسر جهان حرکت کرده‌اند. همان طور که زمانی ایرانی‌ها در زمینه‌ی وبلاگ نویسی از جمله کشورهای پیشرو در دنیا محسوب می‌شدند. در استفاده از برخی شبکه‌های اجتماعی بین‌المللی نیز ایرانی‌ها زمانی در رده‌های بالا قرار داشتند. نخستین موج جدی فراگیر شدن شبکه‌های اجتماعی در ایران به استقبال از وب سایت اورکات ۱ بر می‌گردد. اورکات شبکه اجتماعی تحت مالکیت شرکت گوگل است که در سال ۲۰۰۴ به وسیله یکی از کارمندان این شرکت راه اندازی شد. (تیموری، ۱۳۹۶: ۲۹) اورکات به سرعت مورد توجه کاربران ایرانی قرار گرفت و ایرانی‌ها در کنار برزیلی‌ها، امریکایی‌ها و هندی‌ها به چهار ملیت برتر در این شبکه اجتماعی تبدیل شدند. تنها فیلتر شدن اورکات بود که توانست این وب سایت را از کانون توجه ایرانیان خارج کند. پس از فیلتر شدن اورکات نوبت به شبکه‌های اجتماعی ایرانی بود تا وارد دنیای مجازی شوند. از میان تجربه‌های ایرانی راه اندازی وب سایت‌های شبکه اجتماعی، تنها نمونه موفق و قابل توجه کلوب ۲ کلوب ۲ است که همچنان مورد اقبال کاربران داخل کشور قرار دارد و در سال‌های اخیر همواره از پایگاه‌های اینترنتی برتر ایران بوده است. علاوه بر چندین شبکه اجتماعی عمومی، چند شبکه اجتماعی تخصصی و حرفه‌ای ایرانی نیز راه اندازی شده‌اند که هنوز چندان مورد استقبال کاربران داخل کشور قرار نگرفته‌اند. دوره، شبکه اجتماعی دانشگاهیان ایران ۳ و یو ۲۴، شبکه اجتماعی مختصان ایران U۲۴ از جمله دیگر تجربه‌های ایرانی هستند. شبکه اجتماعی فیس بوک نیز که سالها در ایران فیلتر بود در اواسط سال ۱۳۸۷ از فیلتر خارج شد و با استقبال گسترده‌ی کاربران در مدت کوتاهی به یکی از پر بیننده ترین وب سایت‌ها در ایران تبدیل شد. رویدادهای پس از انتخابات ریاست جمهوری و طرح نام فیس بوک و چند شبکه‌ی اجتماعی

1 - Orkut

2 - Cloob

3 - Doreh

دیگر به عنوان متهمان و تاثیرگذاران اتفاقات سیاسی، فیلتر شدن دوباره‌ی این وب سایت را به دنبال داشت. (تیموری، ۱۳۹۶: ۳۰)

دیدگاه‌های نظری اندیشمندان در مورد شبکه‌های اجتماعی

در دهه‌های اخیر با توجه به فرآیند پیشرفت فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات (ICT) بحث‌هایی از سوی اندیشمندانی چون دانیل بل، مانوئل کاستلز و یان ون دایک درباره تاثیرپذیری جوامع از این فناوری‌های مطرح است. این نظریه‌ها حوزه شبکه‌های اجتماعی مجازی (که پایگاه‌های مبتنی بر اینترنت است) را نیز شامل می‌شود. بررسی این تاثیر در حوزه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی نقطه محوری مباحث اندیشمندان ارتباطی است. این اندیشمندان اصطلاحاتی چون جامعه اطلاعاتی و جامعه شبکه‌ای را برای توصیف شرایط جامعه تحت تاثیر فناوری‌های نوین به کار برده‌اند. اصطلاحاتی که رایج است اما نادقیق. (مک کی، ۱۳۸۶؛ وبستر، ۱۳۸۳) فناوری اطلاعات (IT) یا فناوری اطلاعات و ارتباطات طبق تعریف به فناوری نرم افزار و سخت افزار مورد نیاز برای تولید، تبدیل، توزیع، ذخیره، انتقال و استفاده از اطلاعات از هر جا و در هر زمان گفته می‌شود. (جلالی، ۱۳۸۴) در ادامه تعدادی از نظریه‌های مطرح در این زمینه مرور می‌شود.

۱- دانیل بل

بل در کتاب **جامعه فرا صنعتی آینده** که در سال ۱۹۷۳ انتشار یافت، با استناد به اطلاعات آماری گردآوری شده از طریق سازمان همکاری و توسعه اقتصادی و منابع دیگر، برتری رو به فزون معرفت‌های علمی و تکنیکی در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی را مطرح کرده و بر اساس آن، فرا رسیدن جامعه فرا صنعتی را که در آثار بعدی او جامعه اطلاعاتی خوانده شده، مورد تاکید قرار داده است. این کتاب معمولاً به عنوان مهمترین اثر عملی در بررسی و ارزیابی مفهوم جامعه اطلاعاتی شناخته می‌شود. (معمد نژاد، ۱۳۸۴: ۵۱) جامعه فراصنعتی بر خلاف جامعه صنعتی، که بر اساس تکنولوژی ماشینی پایه گذاری شده، بر مبنای تکنولوژی فکری شکل دهی گردیده است. همچنین در حالی که سرمایه و کار، عناصر ساختاری عمده جامعه صنعتی را تشکیل می‌دهند، اطلاعات و معرفت، دو عنصر ساختاری اساسی جامعه اطلاعاتی به شمار می‌آیند. یکی از مهمترین نکات مورد نظر دانیل بل درباره تمایز دو نوع جامعه مذکور توجه خاص او به چگونگی انتقال از مرحله جامعه صنعتی به مرحله جامعه فراصنعتی و به

عبارت دیگر، تبدیل جامعه مبتنی بر تولید کالاها به یک جامعه مبتنی بر تولید و عرضه خدمات است. این جامعه خدماتی در مفهوم سازی‌های بعدی وی، به عنوان جامعه اطلاعاتی معرفی شده است. (امیدوار، ۱۳۹۱: ۳۱)

وی پنج ویژگی مهم برای جامعه فراصنعتی برشمرده است: بخش اقتصادی: در جامعه فرا صنعتی، اقتصاد مبتنی بر تولید کالاها به اقتصاد خدماتی تبدیل می‌شود.

توزیع اشتغال: در چنین جامعه‌ای، طبقه شاغل در فعالیتهای حرفه‌ای و تکنیکی، از لحاظ چگونگی اشتغال افراد، بر طبقات دیگر برتری می‌یابد.

اصل محوری: در جامعه فراصنعتی، معرفت(دانش) نظری به منزله منبع نوآوری و سیاست سازی جامعه، نقش کانونی و محوری پیدا می‌کند.

روند آینده: در جامعه یاد شده، گرایش به کنترل تکنولوژی و ارزیابی تکنولوژی برای آینده بهتر رو به افزایش است.

تصمیم گیری: در جامعه فرا صنعتی یک تکنولوژی فکری نوین، در جهت کمک به تصمیم گیری ایجاد می‌شود. (مهدی زاده، ۱۳۸۹: ۳۱۴)

بل جوامع اطلاعاتی را جوامعی می‌داند که فعالیتهای اساسی شان در پردازش اطلاعات، بیش از تولیدات صنعتی و کشاورزی آنهاست. (شکره خواه، ۱۳۸۴)

۲- آنتونی گیدنز

آنتونی گیدنز جامعه شناس معرفت بریتانیایی، پیشاهنگ ایجاد جامعه شناسی بومی برجسته است. او در خصوص توسعه و مدرنیته نیز مطالب و نظریه‌های بسیاری دارد که ما را به باز-سنجی ادراکی و بازخوانی توسعه و مسیر مدرنیته فرا می‌خواند. کتاب مشهور او به نام دولت-ملت و خشونت (۱۹۸۵) به شرح چگونگی توسعه و اهمیت اطلاعات در رشد نظارتی دولت-ملت و کنترل هر چه بیشتر مردم به وسیله آن و نیز توسعه ابزارهای اعمال خشونت در درون و میان ملت‌ها اختصاص یافته است. آنتونی گیدنز درباره جامعه اطلاعاتی مطالب زیادی نوشته است. این مفهوم خاص موردی برای نگرانی او نبوده تا درباره جایگاهش بحث کند. در واقع او با صراحت کامل اظهار داشته است که عموماً مطرح می‌شود که ما منحصرأ اکنون در اواخر سده بیستم به عصر اطلاعات گام می‌نهیم اما جوامع نوین از آغاز ظهورشان جوامع اطلاعاتی بوده‌اند. همراه با این اظهار نظرها، نظریه پرداز گیدنز به ما نشان می‌دهد که بالا رفتن اهمیت

اطلاعات ریشه‌های تاریخی ژرفی دارد. آن اندازه که ما را متقاعد می‌کند اطلاعات امروز در آن چنان دوره‌ای که او آن را مدرنیته در سطح عالی می‌نامد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. اما این امر کافی نیست تا آن نوع تغییر سیستم را که دانیل بل به عنوان جامعه فرا صنعت‌گرایی یاد می‌کند بپذیریم. (وبستر، ۱۳۸۳)

۳- هربرت شیلر

وبستر (۱۹۵۰) عناصر کلیدی بحث شیلر را به سه دسته تقسیم می‌کند:

۱- توجه به ربط معیارهای تجاری با پیشرفت‌های اطلاعاتی، در این دیدگاه درک این امر ضرورت دارد که نوآوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی تحت تاثیر فشارهای تعیین‌کننده حاکم بر بازار خرید، فروش و تجارت به منظور به دست آوردن سود صورت می‌گیرد. از نظر شیلر و همسرش آنی‌تا مرکزیت اصول بازار یک اجبار نیرومند در کالا سازی اطلاعات و به معنای دسترسی فزاینده به اطلاعات تنها به شرط قابلیت فروش آن است.

۲- شیلر استدلال می‌کند که: نابرابری طبقاتی عامل عمده پخش، دسترسی و قابلیت‌های تولید اطلاعات است. به طور ساده یعنی طبقه تعیین‌کننده این است که چه کسی، چه اطلاعاتی را به دست آورد و چه نوع اطلاعاتی را می‌تواند به دست آورد. بنابراین بسته به جایگاه فرد در سلسله مراتب طبقاتی، فرد ممکن است در انقلاب اطلاعاتی برنده یا بازنده باشد.

۳- سرمایه داری معاصر از طریق نهادهای شرکتی حاکمیت یافته و عمدتاً بر تولید محصولات توسط چند شرکت محدود و سازمان‌های که عمدتاً دارای ثروت‌های کلان ملی و بین‌المللی است، استقرار یافته است.

در دیدگاه هربرت شیلر اولویت‌های شرکت سرمایه داری مخصوصاً در قلمرو اطلاعات دارای آثار مهمی است. در صدر فهرست اولویت‌های آنها این اصل قرار دارد که اطلاعات و تکنولوژی-های اطلاعاتی ترجیحاً برای اهداف خصوصی و نه عمومی توسعه خواهد یافت، نکته اساسی برای هربرت شیلر این است که، جنبه‌های دیر بنیاد سیستم سرمایه داری عناصر کلیدی معماری جامعه به اصطلاح اطلاعاتی هستند. (وبستر، ۱۳۸۳)

۴- یورگن هابرماس

هابرماس، تئوری پرداز اجتماعی آلمان، یکی از مشهورترین اندیشمندان است که با طرح تئوری خود درباره گستره همگانی یا فضای عمومی به مفهومی اشاره می‌کند که بسیاری از اندیشمندان کنونی به تشریح و توصیف ویژگی‌های آن پرداخته و اهمیت حیاتی‌اش را در

حفظ طراوات و شادابی جوامع سرمایه داری مورد تاکید قرار داده‌اند. او این مفهوم را در یکی از اولین کتاب‌هایش به نام **تحول ساختاری گستره همگانی**، تحقیقی در مقوله جامعه بورژوازی مطرح ساخت. او معتقد است که اصولا در سده‌های هیجده و نوزده در انگلستان گسترش سرمایه داری به ظهور گستره همگانی انجامیده است اما متعاقبا در نیمه دوم و اواخر سده بیستم رو به نابودی گذاشته است. این گستره را باید میدانی تلقی کنیم مستقل از دولت (حتی اگر بر اساس بودجه دولت به وجود آمده باشد) و نیز برخوردار از خود مختاری نسبت به نیروهای اقتصادی که به مباحث عقلایی و فارغ از تعصب اختصاص یافته است. این مباحث، انتفاعی، ریاکارانه و دستکاری شده نیستند. در دسترس همگان قرار دارند و برای هر نوع پژوهش و کنکاش از سوی شهروندان و پژوهشگران آزادند. در این گستره همگانی است که فضای از بحث، گفتگو و مفاهمه ایجاد گردیده و افکار عمومی شکل می‌گیرد تا منافع همگانی و خصوصی به صورتی عقلایی در چارچوب‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جامعه مدنی با یکدیگر گره بخورند. اطلاعات، مرکز ثقل این گستره همگانی است فرض این است که بازیگران نقش‌های اجتماعی گوناگون که از پایگاه‌های اجتماعی متفاوتی برخاسته‌اند با موضعی کاملا صریح و روشن به نقد مسایل اجتماعی پرداخته و در فرآیندی عقلایی، اطلاعات حاوی مطالب ارزشمند را به سراسر پیکره اجتماعی منتقل نمایند تا پالایشی ضروری را در جامعه میسر سازند. به این ترتیب جریانی از پویایی، تحول و احساس رضایت از زندگی خصوصی و اجتماعی در روندی دموکراتیک و به منظور اداره هر چه خردمندانه تر امور عمومی و حفظ حریم خصوصی امکان پذیر خواهد شد. این فضا و گستره در حقیقت افکار و عقاید مردم عصر حاضر را در تعاملی آزاد و معقول شکل می‌دهد که از طریق نهادها و سازمان‌های دموکراتیک در عرصه همگانی نمود می‌یابد. هابرماس، نقش رسانه‌های جمعی و سایر نهادهای اطلاعاتی را در جامعه به عنوان شرکای اصلی تشکیل دهنده، محافظ و سالم سازنده آن بر می‌شمارد و می‌گوید که در اواخر سده بیستم، حاکمیت مطلق اندیشه‌های مبتنی بر نفع پرستی بنگاه‌های اقتصادی، جهانی شدن اقتصاد، خصوصی سازی، مقررات زدایی و یک قطبی شدن حاکمیت قدرت‌های بین‌المللی، سبب نابودی این گستره گردیده است. هابرماس از این پدیده به عنوان (فئودالی سازی دوباره) نام می‌برد و می‌گوید، تظاهر این وضعیت از تغییرات سیستم ارتباطات جمعی ناشی می‌شود. در طول سده بیستم، رسانه‌ها به عنوان ناشران معتبر اطلاعات در قلمرو گستره همگانی کاهش یافته و در حین اینکه به بازوی منافع سرمایه داری تبدیل شده‌اند، به سمت افکار عمومی فئودالی و

فاصله گرفته از فن آوری و عرضه اطلاعات درست تغییر ماهیت داده‌اند. یورگن هابرماس، مدیریت اطلاعات را به عنوان نشانه‌ای از نابودی گستره همگانی می‌شناسد. او همچنین ترویج تبلیغات، اقناع و مدیریت افکار عمومی و رشد سرسام آور آگهی‌های بازرگانی را دلیل بر غلبه جنبه غیر سازنده محتوای رسانه‌های جمعی و از میان رفتن گستره همگانی می‌داند. به اعتقاد او این روند در نهایت به انقیاد افکار عمومی در تار و پود امور بی ارزش خواهد انجامید. هابرماس سه جنبه از مدیریت اطلاعات را که شامل بسته بندی، ارباب و سانسور است، همراه با راز پوشی - های دولت، که آن را روی دیگر چنین سکه‌ای می‌شناسد، به عنوان عامل عمده در نابودی گستره همگانی بر اثر مدیریت اطلاعات تلقی می‌نماید.

وبستر معتقد است هابرماس بدبینی دلسرد کننده و داوری تند در مورد دموکراسی دارد و آن را چیزی فریب آمیز می‌داند که توده‌های مردم قربانیان منفعل در برابر روندهای تبلیغاتی آن هستند، درحالیکه مردم دارای خلاقیت‌های قابل ملاحظه‌ای بوده و ما شاهد استفاده جالب آنان از تکنولوژی‌های جدید نظیر کامپیوترهای شخصی، دستگاه های فاکسی مایل و دروین‌های ویدئویی بوده‌ایم که آنها را در راستای توسعه مبادله اطلاعات میان خود به کار می‌برند. با توجه به این امر ما باید موافق باشیم که چنین پیشرفت‌هایی به درک قابلیت دموکراتیک تکنولوژی‌های اطلاعاتی از طریق توسعه عرصه‌هایی از زندگی اجتماعی که میان دولت و خانواده واقع شده و ما آن را جامعه مدنی می‌نامیم و احتمالاً گستره همگانی در آنها استقرار یافته است، کمک می‌کنند. (وبستر، ۱۳۸۳)

۵- مانوئل کاستلز

اندیشه‌های کاستلز در زمینه نقش فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی در جامعه در چند بعد عمده به شرح زیر خلاصه می‌شود:

۱- جامعه شبکه‌ای

بسیاری از اندیشمندان ارتباطی برای بررسی و توضیح نتایج دگرگونی‌هایی که در سایه فناوری های نوین ارتباطی و اطلاعاتی در جوامع به وجود آمده است، از اصطلاح جامعه شبکه‌ای استفاده می‌کنند. اماتل کاستلز و یان ون دایک از برجسته ترین آنها هستند. کاستلز اینترنت را ستون فقرات ارتباطات کامپیوتری جهانی توصیف می‌کند و تاریخ توسعه اینترنت و پیوستن سایر شبکه‌ها به این شبکه را کمک زیادی می‌داند برای ارزیابی تاثیرات اجتماعی آن. وی در جایی دیگر بیان می‌دارد که به رغم همه تلاش‌هایی که برای تنظیم خصوصی

سازی و تجاری کردن اینترنت و سیستم‌های پیرامونی آن انجام گرفته است، ویژگی شبکه‌های ارتباط کامپیوتری داخل یا خارج از اینترنت، فراگیری، تمرکز زدایی چند جانبه و انعطاف پذیری آنهاست. این شبکه‌ها برخلاف رسانه‌های همگانی دنیای مک لوهان، از نظر تکنولوژیک و فرهنگی، ویژگی تعامل پذیری و فردی شدن را در خود جای داده‌اند.

وی نتایج دگرگونی تکنولوژیکی که منجر به اختراع شاهراه اطلاعاتی شده است را با اختراع بزرگ حروف الفبا در یونان ۷۰۰ سال پیش از میلاد مشابه می‌داند. یکپارچگی شیوه‌های مختلف ارتباطات در چارچوب شبکه‌ای تعاملی، به عبارت دیگر، ابر متن یا فرازبانی که برای نخستین بار در تاریخ شیوه‌های مکتوب، شفاهی و دیداری- شینداری ارتباطات انسانی را در چارچوب یک سیستم، یک پارچه می‌سازد و ارتباطات نقش تعیین کننده‌ای در شکل دهی فرهنگ دارد، زیرا همان گونه که پستمن می‌گوید: ما واقعیت را آنگونه که هست نمی‌بینیم، بلکه آنگونه می‌بینیم که زبانهایمان هستند و زبانهای ما رسانه‌های ما هستند، رسانه‌های ما استعاره‌های ما و استعاره‌های ما محتوای فرهنگ ما را می‌آفرینند. (کاستلز، ۱۳۸۹: ۴۱۵-۳۸۳)

کاستلز جامعه شبکه‌ای را جامعه‌ای می‌داند که عمده‌ترین عناصر آن با تکیه بر شبکه‌های الکترونیکی شکل گرفته‌اند. به عبارت دیگر، شبکه‌ها اساس شکل گیری جوامع مدرن هستند. کاستلز نتیجه همگرایی سه فرایند را ظهور جهانی نو می‌داند. این جهان در حدود اواخر دهه ۱۹۶۰ و نیمه دهه ۱۹۷۰، بر اثر تقارن تاریخی سه فرایند مستقل پدیدار شد: انقلاب تکنولوژی اطلاعات، بحران‌های اقتصادی سرمایه داری و دولت سالاری و تجدید ساختار متعاقب آنها و شکوفایی جنبش‌های اجتماعی، فرهنگی همچون آزادی خواهی، حقوق بشر، فمینیسم و طرفداری از محیط زیست، تعامل میان این فرایندها و واکنش‌هایی که به آن دامن زدند، یک ساختار نوین اجتماعی مسلط، یعنی جامعه شبکه‌ای، یک اقتصاد نوین، یعنی اقتصاد اطلاعاتی و یک فرهنگ نوین، یعنی فرهنگ مجاز واقعی را به عرصه وجود آورد. منطق نهفته در این اقتصاد، این جامعه و این فرهنگ، زیر بنای کنش و نهادهای اجتماعی در سرتاسر جهانی به هم پیوسته است. (کاستلز، ۱۳۸۹: ۴۱۷)

ویژگی دیگر جامعه شبکه‌ای زمان بی زمان و فضای جریان‌ها است. در جامعه شبکه‌ای مفاهیم زمان و مکان معانی تازه‌ای پیدا کرده‌اند که با معانی سنتی آن در جوامع قبل از مدرن و یا حتی صنعتی تفاوت دارد. انتقال آنی اطلاعات، داده‌ها و سرمایه‌ها و امکان ارتباط همزمان افراد در نقاط مختلف عملاً فواصل زمانی را از میان برداشته است و نظم طبیعی دوران قدیم یا

چارچوب‌های مکانیکی جهان صنعتی را به کلی دگرگون ساخته است. مکان نیز به نوبه خود با مفهوم دسترسی یا عدم دسترسی به اطلاعات و ابزار انتقال و پردازش آن ارتباط پیدا کرده است و به این اعتبار حضور در مکان معنای تازه‌ای به خود گرفته که می‌تواند تعیین کننده ارتباط و اتصال شخصی به جامعه شبکه‌ای و یا طرد و حذف او از این مکان فراگیر و در عین حال انحصاری به شمار آید.

فضای جریان‌ها به معنای تکیه گاه مادی فرایندها و عملکردهای مسلط در جامعه اطلاعاتی، را می‌توان به ترکیب حداقل سه لایه از تکیه گاه‌های مادی تشریح کرد که در مجموع فضای جریان‌ها را تشکیل می‌دهند. نخستین لایه، نخستین تکیه گاه مادی فضای جریان‌ها، در واقع توسط مداری از محرک‌های الکترونیکی ایجاد می‌شود (میکرو الکترونیک، مخابرات، پردازش کامپیوتری، سیستم‌های رادیو و تلویزیونی و حمل و نقل سریع که بر تکنولوژی اطلاعات استوارند) که به همراه یکدیگر، مبنای مادی فرایندهایی را تشکیل می‌دهند که در شبکه اجتماعی نقشی راهبردی دارند این در واقع تکیه گاهی مادی برای عملکردهای اجتماعی همزمان است در این شبکه هیچ مکانی به خودی خود وجود ندارد چون جایگاه‌ها به وسیله جریان‌ها تعریف می‌شوند. بنابراین شبکه ارتباطی پیکره بندی اصلی فضایی است مکان‌ها از میان نمی‌روند بلکه منطق و معنای آن در شبکه جذب می‌شود. زیر ساخت تکنولوژیکی که شبکه را ایجاد می‌کند فضای جدید را تعریف می‌کند. همانطور که خطوط راه آهن در اقتصاد صنعتی، مناطق اقتصادی و بازارهای ملی را تعریف می‌کردند.

دومین لایه فضای جریان‌ها از گروه‌ها و محورها (یا بازارهای) آن تشکیل می‌شود. اگر چه منطق ساختاری فضای جریان‌ها بی مکانی است ولی این شبکه مکان‌های ویژه‌ای را به یکدیگر متصل می‌کند که دارای ویژگی‌های اجتماعی، فرهنگی و فیزیکی تعریف شده‌ای هستند.

سومین لایه فضای جریان‌ها به سازماندهی مکانی نخبگان (و نه طبقات) مدیریتی مسلط اشاره دارد که کارکردهای اصلی را که چنین فضایی پیرامون آن تحقق می‌یابد اعمال می‌کند. نظریه فضای جریان‌ها از این فرض تلویحی آغاز می‌کند که جوامع به گونه‌ای نامتقارن پیرامون منافع مسلط که خاص هر ساختار اجتماعی است سازمان یافته‌اند. فضای جریان‌ها تنها منطق است چون منطق مکانی منافع و کارکردهای مختلف در جامعه ماست. ولی چنین سلطه‌ای صرفاً ساختاری نیست. این سلطه توسط نقش آفرینان اجتماعی اعمال می‌شود و در واقع توسط آنها طراحی تصمیم‌گیری و اجرا می‌شود.

زمان بی‌زمان به فضای جریان‌ها تعلق دارد ولی نظم زمانی، زمان بیولوژیک و توالی اجتماعی، ویژگی‌های مکانها در سراسر جهان هستند که سازمان دادن و ساختار زدایی مادی جوامع چند پاره ما را انجام می‌دهند. فضا، زمان را در جامعه ما شکل می‌دهد و بدین ترتیب روندی تاریخی را واژگون می‌سازد. جریان‌ها زمان بی‌زمان را شکل می‌دهند، ولی مکانها وابسته به زمانند. آرمان پیشرفت، که در دو قرن گذشته بنیان فرهنگ و جامعه ما بوده است. بر مبنای حرکت تاریخ و در واقع بر توالی از پیش تعیین شده تاریخ به رهبری خرد و با تحریک نیروهای مولد استوار بود و از قید و بندهای جوامع و فرهنگ‌هایی که به مکان وابسته‌اند می‌گریخت. تسلط بر زمان، کنترل آهنگ زمان، در حرکت گستره صنعتی شدن و توسعه شهری که با فرایند های دوگانه سرمایه داری و دولت سالاری میسر گشته بود سرزمین‌ها را مستعمره و فضاها را دگرگون ساخت. (کاستلز، ۱۳۸۹: ۵۳۷-۱۷)

۲- تعریف شبکه

کاستلز شبکه را مجموعه‌ای از نقاط اتصال یا گره‌های به هم پیوسته تعریف می‌کند. نقطه اتصال یا گره نقطه‌ای است که در آن یک منحنی خود را قطع می‌کند. اینکه نقطه اتصال چه چیزی است مشخصا به نوع شبکه‌های مورد نظر بستگی دارد. برای مثال سیستم‌های تلویزیونی، استودیوهای تولید سرگرمی، مراکز گرافیک کامپیوتری، گروه‌های خبری و دستگاه‌های متحرک تولید، ارسال و دریافت علائم نقاط اتصال شبکه جهانی رسانه‌ای جدید هستند که کانون بیان فرهنگی و افکار عمومی در عصر اطلاعات است.

شبکه‌ها ساختارهایی باز هستند که می‌توانند بدون هیچ محدودیتی گسترش یابند و نقاط شاخص جدیدی را در درون خود پذیرا شوند تا زمانی که این نقاط توانایی ارتباط در شبکه را داشته باشند یعنی مادام که از کدهای ارتباطی مشترک (برای مثال ارزشها یا اهداف کارکردی) استفاده می‌کنند. یک ساختار اجتماعی مبتنی بر شبکه، سیستم بسیار باز و پویایی است که بدون اینکه توازن آن با تهدیدی روبرو شود توانایی نوآوری دارد. شبکه‌ها ریخت اجتماعی جدید جوامع ما را تشکیل می‌دهند و گسترش منطقه شبکه‌ای تغییرات چشمگیری در عملیات و نتایج فرآیندهای تولید، تجربه، قدرت و فرهنگ ایجاد می‌کند. از دید کاستلز شبکه، ساختاری است که به سرعت در حال تغییر دادن شکل کلی سازمان اجتماعی جوامع انسانی است. شبکه‌های کامپیوتری دو سوپه به طرز چشمگیری گسترش می‌یابند و شکل‌ها و کانال‌های جدید ارتباطی را ایجاد می‌کنند که به زندگی شکل می‌دهند و همزمان از زندگی شکل می‌پذیرند.

به رغم وی جهانشمولی زبان دیجیتال و منطق کاملاً شبکه‌ای سیستم ارتباطی زمینه‌های تکنولوژیک ارتباط افقی و جهانی را فراهم کرده است. (کاستلز، ۱۳۸۹: ۵۴۴-۴۰۸)

۳- پارادایم تکنولوژی ارتباطات

کاستلز در توصیف پارادایم تکنولوژی ارتباطات ویژگی‌های زیر را برای آن بر می‌شمارد: اولین ویژگی پارادایم جدید این است که اطلاعات ماده خام است: اینها تکنولوژی‌هایی هستند که روی اطلاعات عمل می‌کنند، برخلاف انقلاب‌های تکنولوژیک پیشین که در آنها تنها اطلاعات بر روی تکنولوژی عمل می‌کرد.

دومین ویژگی اشاره دارد به فراگیر بودن تأثیرات تکنولوژی‌های جدید، از آنجا که اطلاعات بخش لاینفک تمامی فعالیت‌های بشری است، همه فرایندهای حیات فردی و جمعی ما مستقیماً توسط رسانه تکنولوژی جدید شکل داده می‌شوند.

سومین ویژگی به منطق شبکه سازی هر سیستم و یا مجموعه روابطی اشاره دارد که از این تکنولوژی‌های جدید اطلاعات استفاده می‌کنند. به نظر می‌رسد ریخت‌شناسی این شبکه با پیچیدگی فزاینده تعامل و اندرکنش و الگوهای غیر قابل پیش‌بینی توسعه ناشی از قدرت خلاقه چنین تعاملی سازگاری تمام دارد.

ویژگی چهارم، که به ویژگی شبکه سازی مربوط می‌شود هر چند کاملاً از آن متمایز است، این است که پارادایم تکنولوژی اطلاعات به انعطاف پذیری متکی است. نه تنها فرایندها برگشت پذیر هستند، بلکه سازمان‌ها و نهادها را نیز می‌توان با آرایش مجدد اجزای آنها اصلاح و حتی به طور اساسی تغییر داد. وجه تمایز پیکر بندی پارادایم تکنولوژیک جدید توانایی آن برای پیکربندی مجدد است.

ویژگی پنجم این انقلاب تکنولوژی، همگرایی فزاینده تکنولوژی‌های خاص در درون یک سیستم بسیار منسجم است که در آن، مسیرهای تکنولوژیک قدیمی و جداگانه غیر قابل تشخیص می‌شوند. از این رو، میکرو الکترونیک، مخابرات، الکترونیک نوری و کامپیوتر اکنون همگی در سیستم‌های اطلاعاتی جا گرفته‌اند.

۴- تأثیر فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی به عنوان رسانه بر فرهنگ، اجتماع و فهم

انسان از واقعیت

وی تأکید می‌نماید که اینترنت سیستم ارتباطی یا رسانه‌ای است که می‌تواند مجاز واقعی ایجاد کند. زیرا رولان بارت و ژان بودریار سالها قبل به ما آموختند همه اشکال ارتباط بر

مبنای تولید و مصرف نشانه‌ها استوارند. بنابراین هیچگونه جدایی بین واقعیت و نمایش نمادین وجود ندارد. در همه جوامع انسانها در محیطی نمادین می‌زیسته‌اند و از طریق این محیط عمل می‌کرده‌اند. بنابراین ویژگی تاریخی سیستم ارتباطی جدید که پیرامون یکپارچگی الکترونیک همه شیوه‌های ارتباط، از ارتباط مکتوب گرفته تا ارتباط چند حسی سازمان یافته است، القای واقعیت، مجازی نیست بلکه ایجاد مجاز واقعی است. برای توضیح این مطلب باید از فرهنگ واژگان کمک بگیریم، مجازی، چیزی که در عمل چنین است نه به معنای دقیق کلمه و واقعی، چیزی که واقعا چنین است. بنابراین واقعیتی که تجربه می‌شود همواره مجازی است چون همواره از طریق نمادهایی درک می‌شود که عمل را به گونه‌ای از معنا شکل می‌دهند که از چارچوب تنگ معنایی که نمادها برای آن در نظر گرفته‌اند می‌گریزد. دقیقا همین ویژگی همه شکل - های زبان برای به رمز درآوردن ابهام و ایجاد تفاسیر متنوع است که بیان‌های فرهنگی را از استدلال صوری - منطقی و ریاضی متمایز می‌سازد. پیچیدگی و حتی کیفیت متناقض پیام‌های ذهن انسان، به دلیل ویژگی تعدد معانی کلام ماست که جلوه گر می‌شود. این طیف گوناگونی فرهنگی معانی پیام‌ها چیزی است که به ما امکان می‌دهد در ابعاد مختلف، برخی تلویحی و برخی آشکارند، با یکدیگر ارتباط برقرار کنیم. بنابراین وقتی منتقدان رسانه‌های الکترونیک می‌گویند که محیط نمادین جدید نمایانگر واقعیت نیست تلویحا به یک مفهوم کاملا بدوی و ساده انگارانه از تجربه واقعی رمز گذاری نشده، اشاره می‌کنند که هرگز وجود نداشته است همه واقعیت‌ها از طریق نمادها بیان می‌شوند و در ارتباط انسانی و تعاملی، بدون در نظر گرفتن رسانه ارتباط، همه نمادها در ارتباط با معانی و واژگانی که به آنها اسناد داده می‌شود به نوعی دچار تغییر می‌شوند به تعبیری می‌توان گفت که کل واقعیت مجازی به گونه‌ای مجازی ادراک می‌شود و نتیجه گیری می‌نماید سیستم ارتباطی که برخلاف تجربیات تاریخی قبلی، مجاز واقعی را ایجاد کند، سیستمی است که در آن خود واقعیت (یعنی وجود مادی - نمادین مردم) کاملا در متنی از تصاویر مجازی و در جهانی واقع نما غرق شده است که در آن چیزهای که بر روی صفحه ظاهر می‌شود فقط تصاویری نیستند که تجربه از طریق آنها منتقل می‌شود، بلکه خود به تجربه تبدیل می‌شوند. هر نوع پیامی در رسانه محصور می‌شود، چون این رسانه آن قدر فراگیر، متنوع و انعطاف پذیر است که کل تجربه گذشته و حال و آینده آدمی را، در آن نقطه یگانه جهان که خورخه اوئیس بورخس "الف" می‌نامید در یک متن چند رسانه‌ای جذب می‌کند. ویژگی سیستم ارتباطی جدید، که بر مبنای یک پارچه ساختن دیجیتال و شبکه‌ای شیوه‌های

ارتباطی چند گانه عمل می‌کند، این است که همه جلوه‌های فرهنگی را در بر می‌گیرد. آنچه سیستم ارتباطی جدید را قادر ساخته است تا همه شکل‌های بیان و همچنین منافع، ارزشها و تخیلات متنوع از جمله بیان تضادهای اجتماعی را در بر گیرد، دقیقا همین تنوع، حالت چند رسانه‌ای و چند پیشگی سیستم نوین ارتباطی است.

فرآیند شکل‌گیری و انتشار اینترنت و شبکه‌های ارتباط کامپیوتری وابسته به آن در ربع قرن گذشته ساختار رسانه جدید را معماری شبکه، در فرهنگ کاربران شبکه و در الگوهای واقعی ارتباطات برای همیشه شکل داد. معماری شبکه از لحاظ تکنولوژیک باز است و همواره چنین خواهد بود. این امر دسترسی عمومی را به شبکه امکان‌پذیر می‌سازد و محدودیت‌های دولتی یا تجاری را که در سر راه انواع دسترسی قرار دارند بسیار کاهش می‌دهد.

وی فرهنگ عصر اطلاعات را حاصل انتقال نمادها به وسیله واسطه‌های الکترونیک می‌داند. این واسطه‌های متنوع با مخاطبان گوناگونی سر و کار دارند و مجموعه‌هایی غنی از حیث محتوای نمادین و در قالب الکترونیک در اختیارشان قرار می‌دهند. به این ترتیب این فضای مجازی، حاوی اطلاعات متکثر و متنوع، به صورت بخشی از واقعیت اجتماعی عصر جدید در می‌آید و دوران قدیم و چارچوب‌های مکانیک جهان صنعتی را دگرگون ساخته است. مکان نیز به نوبه خود با مفهوم دسترسی یا عدم دسترسی به اطلاعات و ابزار انتقال و پردازش آن ارتباط پیدا کرده است و این اعتبار، حضور در مکان معنای تازه‌ای به خود گرفته که می‌تواند تعیین‌کننده ارتباط و اتصال شخص به جامعه شبکه‌ای و یا طرد و حذف او از این مکان فراگیر و در عین حال انحصاری به شمار می‌آید. (کاستلز، ۱۳۸۹: ۴۳۲-۱۷)

۵- جایگاه رسانه‌های تکنولوژی‌های نوین

رسانه‌ها تار و پود نمادین زندگی ما هستند. همچون تجارب واقعی بر رویاهای ما تاثیر می‌گذارند بر آگاهی و رفتار ما تاثیر می‌گذارند و مواد خامی را فراهم می‌سازند که ذهن ما با استفاده از آن کار می‌کند. وی مهمترین ویژگی سیستم‌های چند رسانه‌ای را این می‌داند که بیشتر جلوه‌های فرهنگی را با همه تنوع شان در قلمرو خود جای می‌دهند. ظهور سیستم چند رسانه‌ای به معنای پایان جدایی و حتی تمایز میان رسانه‌های شنیداری و دیداری و چاپی، فرهنگ عامیانه و فرهنگ فرهیختگان، سرگمی و اطلاعات، آموزش یا اغواست همه جلوه‌های فرهنگی، از بدترین تا بهترین و از نخبه‌گراترین تا مردمی‌ترین، در این جهان دیجیتال گرد هم می‌آیند. جهانی که در ابر متنی غول‌آسا و غیر تاریخی جلوه‌های گذشته و حال و آینده

ذهنی را که برقرار کننده ارتباط است به یکدیگر پیوند می‌دهد. بدین ترتیب، آنها یک محیط نمادین جدید ایجاد می‌کنند. آنها دنیا مجازی را به واقعیت ما بدل می‌سازند. (کاستلز، ۱۳۸۹: ۴۲۱-۳۹۲)

شیوه توسعه که از شیوه تولید سرمایه داری جداست به عنوان طرز سازماندهی یک سیستم اجتماعی مورد توجه کاستلز قرار دارد که به عنوان ابزار تولید سطح معینی از فرآوری، معرفی می‌شود. به نظر کاستلز جوامع گوناگون با شیوه‌های متفاوتی توسعه می‌یابند و امروزه این فرآیند اطلاعاتی است که منادی خیزش یک پارادایم تکنولوژیک که شیوه جدید از توسعه را معرفی می‌کند شده است. این شیوه اطلاعاتی توسعه یک پارادایم اجتماعی - تکنیکی نوین است که ویژگی اصلی آن عبارت است از پدیدار شدن فرآیند اطلاعات به عنوان هسته آن، فعالیتی بنیادی که اثر بخشی و بهره‌وری تمامی فرآیندهای فرآوری، پخش مصرف و مدیریت را تعیین می‌کند. (وبستر، ۱۳۸۳: ۴۱۱) بنابراین به زعم کاستلز ارتباطات کامپیوتری یک تکنولوژی یک رسانه و در نهایت موتور تغییرات اجتماعی است.

۶- یان ون دایک

یان ون دایک استاد دپارتمان مطالعات ارتباطات در دانشگاه تونت ۱ است. وی بیش از یک دهه است که در زمینه جامعه شبکه‌ای و جامعه اطلاعاتی کار کرده و دارای تالیفات متعددی در این باره است. سه تالیف مهم وی عبارتند از: جامعه شبکه‌ای، دموکراسی دیجیتال ۲، و تعمیق شکاف ۳.

ون دایک به گونه‌ای که یادآور ماننل کاستلز است بر این باور است که زیر ساخت‌های جامعه جدید فناوری‌های هستند که در تعاریف کلاسیک از جامعه، صرفاً یکی از ابعاد را شامل می‌شود. در حالی که امروزه جامعه معادل با فناوری است و همچنین بر این باور است که ترکیب شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ای، زیر ساخت اصلی و بنیادی جهان معاصر را می‌سازد. وان دایک دو شکل یا دو نوع انقلاب را بر ظهور جامعه شبکه‌ای موثر می‌داند:

۱- انقلاب ارتباطات ساختاری: در دوره انقلاب ارتباطات ساختاری یک سری تغییرات بنیادی در هماهنگ سازی زمان و مکان ایجاد می‌شوند. در این دوره، رسانه می‌تواند شکلی از ارتباط

¹ - Twente

² - Digital Democracy

³ - Deepening Divide

تثبیت شده در مکان باشد. به علاوه می‌توان یک لحظه ارتباطی را به یک زمان معین متصل ساخت. این انقلاب ما را قادر می‌سازد زمان را پل بزنیم. پل زدن زمان و مکان از مختصات مهم این دوره است.

۲- انقلاب ارتباطات تکنیکی: در انقلاب ارتباطات تکنیکی دگرگونی‌های اصلی در ساختار-های ارتباطات، اتصالات، حافظه‌های مصنوعی، یا باز تولید محتوای آنها رخ می‌دهد. این انقلاب از نیمه قرن نوزدهم به وقع پیوست و مبتنی بر ابداع و ساخت ارتباطات راه دور به وسیله کابل‌ها و شبکه‌های کابلی است.

وان دایک بعد از ارائه این طبقه بندی به ظرفیت‌های موجود در ارتباطات نوین می‌پردازد. از نظر وی مهمترین خصوصیت رسانه‌های نوین یک پارچگی و ادغام است، یعنی فرآیند ایجاد همگرایی. از این رو رسانه‌های جدید را باید چند رسانه نامید. این یکپارچگی در چندین سطح ایجاد می‌شود که عبارتند از زیر ساخت‌ها، حمل و نقل، مدیریت، خدمات و انواع داده. نکات کلیدی نظریه وان دایک در باب ویژگی‌های جامعه متأثر از تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی عبارت است از:

۱- ویژگی‌ها و مفاهیم جامعه شبکه‌ای

وان دایک جامعه شبکه‌ای را به مثابه نظام‌های عصبی جامعه می‌داند. وی به طبقه بندی جامعه معاصر و نیز ارائه تعاریفی چند از جامعه شبکه‌ای توجه می‌کند. از نظر وی جامعه شبکه‌ای مبتنی بر سه خصوصیت علم، عقلانیت و بازانندیشی است. سازمان اقتصادی این جامعه در برگیرنده همه ارزش‌های اقتصادی و بخش‌های آن اعم از بخش‌های زراعی و صنعتی است که به گونه‌ای فرآیندها به واسطه تولید اطلاعات مشخص می‌شود. فرهنگ چنین جامعه‌ای نیز تحت تاثیر رسانه و محصولات اطلاعاتی نظیر نشانه‌ها، نمادها و معانی ناشی از آن است.

بنیان تکنیکی دیگر جامعه شبکه‌ای، اصول ذخیره سازی و نگهداری داده‌است. بر همین اساس پایگاه‌های اطلاعاتی به اماکن مهمی در جامعه اطلاعاتی معاصر تبدیل می‌شوند. چهارمین ویژگی جامعه شبکه‌ای، سازمان لایه بندی شده فناوری کامپیوتری و شبکه‌های کامپیوتری است. تمایز بین نرم افزار، سخت افزار و کاربردهای آن خصوصیتی است که باعث می‌شود کاربرد کامپیوترها چند منظوره باشد. بهبود در ارتباط، به واسطه کابل‌های هوایی و نیز همگرایی فناوری ارتباطات تلفنی، ارتباطات داده‌ای و ارتباطات توده‌ای برای ایجاد زیر ساخت ارتباطی دیجیتال واحد نیز ویژگی‌های دیگر جامعه شبکه‌ای در حوزه فناوری هستند.

دیگر ویژگی‌های جامعه شبکه‌ای عبارت است از:

- ۱- هزینه‌های تولید بالا و هزینه‌های باز تولید پایین
- ۲- اطلاعات به مثابه یک کالای تجربه‌ای
- ۳- اطلاعات به مثابه یک کالا یا محصول ویژه (اطلاعات بین تولید کننده و مصرف کننده تقسیم می‌شود)

۴- تاثیرات شبکه‌ای یا عینیت‌های شبکه‌ای، یعنی یک شبکه کم هزینه و پر فایده است اگر واحدها و افراد بیشتری به آن متصل باشند.

ون دایک با توجه به اینکه زبان اصلی دنیای مجازی انگلیسی است و فرهنگ خاص این زبان در حال تسلط است، به مسئله نابرابری اجتماعی- مجازی در ساختار اجتماعی جدید شبکه‌ای می‌پردازد. از نظر وی این جامعه نابرابر، به سمت بی ثباتی تمایل دارد و این به دلیل ماهیت متناقض جامعه شبکه‌ای است که به طور همزمان دارای دو خصوصیت اتصال و انفصال است.

ون دایک به مقایسه جامعه شبکه‌ای با جامعه توده‌ای می‌پردازد. از نظر وی جامعه توده‌ای نوعی صورت بندی اجتماعی با زیر ساختی از گروه‌ها، سازمان‌ها و اجتماعات است که شیوه سازمان دهی آن جامعه را در همه سطوح شکل می‌دهد. در حالی که جامعه شبکه‌ای یک صورت بندی اجتماعی با زیر ساختی از شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ای است، این شبکه‌ها همه بخش‌ها و واحدهای جامعه را به یکدیگر مرتبط می‌سازند.

۱- تاثیرات اینترنت در سطوح فردی و اجتماعی

ون دایک نه تنها بر تاثیر و سلطه اینترنت بر سطح کلان جامعه اعتقاد دارد، بلکه معتقد است که شبکه‌ها حتی در سطوح فردی نیز مسلط شده‌اند. این تسلط را می‌توان در اوقات فراغت جدید و حتی ثبت نام‌های دریافتی از رسانه‌های گوناگون دید. نه تنها در این سطح، بلکه در سطح سازمانی جامعه نیز، شبکه‌های همکاری و رقابتی به شیوه جدیدی از تنظیمات سازمانی مجهز شده‌اند. شبکه‌های جهانی امروزی چه در سطح فردی و چه سازمانی نقش یک نظام عصبی ارگانیک را بازی می‌کنند که همه اجزای سیستم را به یکدیگر متصل می‌سازند.

وی بر این باور است که اینترنت، اجتماعی شدن را کاهش می‌دهد. استفاده فزاینده از این امکانات باعث انزوای اجتماعی، تنهایی و افسردگی می‌شود. وی در این زمینه از درگیری‌های

کوتاه مدت در دنیای اجتماعی، اعتیاد اینترنتی و رقیق شدن تعاملات اجتماعی بحث می‌کند.

۲- ویژگی‌های جامعه اطلاعاتی

ون دایک جدایی زمان و مکان، گسترش و گستردگی همزمان زمان و مکان، افزایش قدرت انتخاب و گزینش زمان و مکان، اجتماعی کردن مکان، اجتماعی کردن توام با فردی کردن همزمان مکان و زمان را از ویژگی‌ها و زیر ساخت‌های جامعه اطلاعاتی می‌داند و در کنار جنبه‌های مذکور، معتقد است که روابط اجتماعی در سطوح بالاتری از انتزاع و مجازیت رخ می‌دهند. گروه‌های ارتباطی جدیدی پدید می‌آیند و تعاملات اجتماعی در سطوح مجازی جایابی می‌کند. وی با اقتباس از بوردویک و وان کام چهار الگوی ترافیک اطلاعاتی را از همدیگر تفکیک می‌کند که عبارتند از: تخصیص، مشاوره، ثبت نام و مکالمه. تخصیص مهمترین الگوی تراکم اطلاعات در قرن بیستم است. تخصیص به معنای توزیع همزمان اطلاعات برای مخاطبین از واحدهای گوناگون است. مشاوره نیز به معنای گزینش نوع اطلاعات مورد نیاز می‌باشد. ثبت نام نیز عبارت است از گرد آوری اطلاعات توسط یک مرکز که موضوع، زمان و سرعت اطلاعات فرستاده شده توسط اعضا از واحدهای گوناگون محلی را شامل می‌شود. مکالمه نیز به مبادله اطلاعات توسط دو یا چند واحد محلی اطلاق می‌شود.

۳- ویژگی‌های رسانه‌های نوین

ون دایک با اشاره به نقش رسانه‌ها در ایجاد دموکراسی و حقوق مدنی به گونه‌ای که از فروپاشی دیوار برلین تا انقراض شوروی- همانطور که کاستلز نیز اشاره کرده است را از مزایای دستکم وجود رادیو، تلفن و امکانات ارتباطی می‌داند. از نظر وی وجود فناوری ارتباطی باعث به خطر افتادن نظام‌های سیاسی توتالیتر سنتی و آگاهی‌های شهروندی شده است. از این رو فناوری را از عوامل زمینه ساز ایجاد آزادی می‌داند اما همزمان آن را در خدمت کنترل و مقاصد امنیتی و سیاسی نظام‌های سیاسی معاصر نیز می‌بیند. تمرکز سیاست، گسترش سیاست در همه واحد- های محلی، نظارت و مشاهده یک سوبه (مراقبت فوکوئی) را می‌توان از پیامدهای منفی آن دانست. از نظر ون دایک رسانه‌های نوین دارای یک زبان مشترک هستند که این خود به صحت و ارزیابی اطلاعات کمک می‌کند. زبان مشترک مذکور از خطاها و تکرار اشتباهات جلوگیری کرده و پردازش و محاسبه را آسان تر می‌کند.

وی مختصاتی را به عنوان نقاط مثبت رسانه‌های مدرن بر می‌شمارد که برخی از مهمترین

آنها عبارتند از: سرعت پل زنی فواصل طولانی، دسترسی اجتماعی و جغرافیایی، صحت و دقت اطلاعات، امکان ذخیره سازی که در روابط چهره به چهره کم است و انتخاب پیام‌ها و آدرس‌ها که به فرد آزادی‌گزينش بیشتری می‌دهد.

در نهایت ون دایک تاکید می‌نماید که جامعه شبکه‌ای ساختاری دو گانه دارد منظور از ساختار دوگانه، ترکیب گسترش - مقیاس و کاهش - مقیاس شبکه‌هاست که بیانگر همه کاربردهای رسانه‌های مدرن در اقتصاد، سیاست، فرهنگ و حتی تجربیات شخصی کاربران آنهاست. این ترکیب خود جاذبه و محرک اولیه استفاده از این رسانه‌هاست و نتیجه می‌گیرد که شبکه‌ها دارای خصوصیت هم زمان تعریف سازی مدرن و توانمند سازی هستند. آنها محیط‌های اجتماعی جدیدی هستند که باعث ارتباط بین واقعیات مجازی و ارگانیک می‌شوند. (محمدپور، ۱۳۸۵)

۷- مارک پاستر^۱

پاستر در اثر خود **عصر دوم رسانه‌ها** دسته بندی رسانه‌ها را براساس نظر گروهی از اندیشمندان ارتباطی به دو عصر مورد تاکید قرار می‌دهد و معتقد است که تحولاتی که فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی مانند اینترنت پدید آورده‌اند. ممکن است عادات ارتباطی ما چنان تغییر دهد، موقعیت‌ها و هویت‌ها را با چنان شدتی عوض کند که طراحی عصر دوم رسانه‌ها امری موجه به نظر آید. به اعتقاد وی اشاعه گسترده رادیو، تلفن، فیلم، تلویزیون، ارتباطات فزونی گرفته توسط رایانه‌ها از قبیل نامه نگاری الکترونیکی مذاکره رایانه‌ای، دستگاه‌های تلکس و فکس و ارتباطات ماهواره‌ای نه تنها موجب دگرگونی‌های ارتباطی شده بلکه مشخصه‌های اساسی زندگی اجتماعی را نیز دگرگون کرده است. (پاستر، ۱۳۷۷:۱۳۸) عصر اول رسانه‌ها با تکنولوژی‌های ارتباطی فیلم، رادیو و تلویزیون که امتداد جریان ارتباطی تلفن است مشخص می‌شود و عصر دوم رسانه‌ها از طریق ادغام تکنولوژی‌های جدید ارتباطی ماهواره‌ای با رایانه، تلویزیون و تلفن ظاهر شده است.

به زعم پاستر در اثر چنین ادغامی، جانشین‌های تازه‌ای برای سیستم قبلی که محدودیت‌های فنی و جدی داشت به وجود آمده و این احتمال، بسیار قوی می‌شود که نظامی متشکل از تولید کنندگان، توزیع کنندگان و مصرف کنندگان به وجود آید. از این رو در این رسانه‌ها، عامل تازه‌ای باعث شده که وضع کاملاً متفاوتی در روابط قبلی و مرزهایی که میان هر یک از این سه گروه وجود داشت، پدیدار شود. شرایطی که حتی قادر است نظام (سیستم) سابق را

¹ - Mark Poster

به طور کامل ساقط کند. در حقیقت عصر دومی از رسانه‌های گروهی در افق آشکار شده است. (پاستر، ۱۳۷۷: ۱۴)

در گذشته نزدیک تنها فناوری که ساختار دموکراتیک تلفن را تقلید کرده، اینترنت است. آنچه تلفن را از سایر رسانه‌های گروهی مهم متمایز می‌کند، کیفیت تمرکز زدایی آن و معاوضه پذیری جهانی مواضع گیرنده و فرستنده است. هرکس می‌تواند پیامی را تولید کند و برای هرکس دیگری در این نظام ارتباطی بفرستد. همگانی شدن استفاده از اینترنت از دهه ۱۹۹۰ و رشد و توسعه آن هر روز بیش از پیش ویژگی‌های عصر دوم رسانه‌ها را تجلی می‌بخشد. تکنولوژی‌های جدید ارتباطی در حال از بین بردن عقیده ارتباط عده‌ای معدود با افراد بی شمار است. برای از مرتبطان همواره قدرتمندتر از دیگران خواهند بود. اما فکر بزرگی که در پشت قصه‌های ... (این رسانه‌های الکتریکی جدید) نهفته، آن است که برای نخستین بار، عده‌ای بسیار با عده‌ای بسیار وارد صبحت می‌شوند. هر روز، اشخاصی که استطاعت تهیه لوازم رایانه و پرداخت صورت‌حساب تلفن خود را دارند می‌توانند تهیه کننده، مجری، سردبیر و شنونده خود باشند. هر روز که می‌گذرد، داستان‌های ایشان بیشتر و بیشتر دارای سبکی خاص، تحت تاثیر کنش مقابل و توأم با فردگرایی می‌شود. داستان‌هایی که در میدان‌های مختلف، برای شنوندگان گوناگون و به روش‌های متفاوت بیان می‌شود. وی همچنین در ادامه می‌نویسد، این انفجار... متکی به نوعی فناوری است که با چاپ و رسانه‌های الکترونیکی نخستین عصر رسانه‌ها تفاوت دارد، ارزان، انعطاف پذیر، در دسترس فوری و دارای سرعت است. (همان: ۷۵-۵)

از نظر پاستر رسانه‌های الکترونیکی از شیوه‌های جدید در اطلاع رسانی استفاده می‌کنند، صاحبان رسانه‌های الکترونیکی جدید (در این اینجا منظور تلویزیون‌های ماهواره‌ای موجود، اینترنت و سایر خدمات مربوط به اینترنت) نوع جدیدی از اطلاع رسانی را در دستور کار خود قرار داده‌اند که عمدتاً موجب تاثیرات گوناگون سیاسی- فرهنگی می‌شود. ویژگی این شیوه اطلاع رسانی آن نیست که صرفاً به مثابه مجرای خنثی برای انتقال داده‌ها و اطلاعات عمل کند، بلکه دقیقاً برعکس، تغییر شکل دادن داده‌ها و اطلاعات و ترویج توپل چند لایه‌ای آنها، مشخصه آن است. (پاستر، ۱۳۷۷: ۲۱۳-۴)

وسایل الکترونیکی جدید، اطلاعات را از طریق چند لایه کردن، شکستن و پراکنده سازی داده‌ها همراه با تصاویر و صداها و زمینه‌ای کاملاً دستکاری شده در معرض مخاطبان قرار می‌دهند. شیوه اطلاع رسانی جنگ خلیج فارس را می‌توان یک نمونه جدید اطلاع رسانی از طریق

وسایل الکترونیکی جدید به شمار آورد. مهمترین مسئله در شیوه اطلاع رسانی جنگ خلیج فارس، مسئله انتقال آنی حوادث از محل درگیری به اتاق‌های نشیمن در آمریکا و سپس مخابره آن به سراسر جهان بود. پاستر معتقد است در شیوه اطلاع رسانی ارتباطات مبتنی بر وسایل الکترونیکی با روش‌های جدید و شگفت آور، زبان و تصاویر را تغییر شکل می‌دهند. (پاستر، ۱۳۷۷: ۶-۲۸۵)

به عقیده پاستر در عرصه اینترنت و خدمات پیام رسانی رایانه‌ای نیز نوع ارتباط به گونه‌ای دیگر است. در این عرصه، که برخلاف تلویزیون‌های ماهواره‌ای، عده بسیار با عده بسیار ارتباط برقرار می‌کنند. شیوه اطلاع رسانی جدیدی ظهور کرده است. در این شیوه که نگارش الکترونیکی، نوع خاصی از فناوری ارتباطی را عرضه می‌دارد، شامل گوناگونی گسترده‌ای از روش‌های نگارش است که پردازش کلمات، متن دگرگون شده، نامه نگاری الکترونیکی، خدمات پیام رسانی و مذاکرات رایانه‌ای مهمترین آنها محسوب می‌شود. در همه آنها رایانه، واسطه ارتباط بین نویسنده و خواننده است. کنار گذاشتن کاغذ و قلم، کلمه سازی رایانه‌ای، سهولت تغییر دادن نوشته دیجیتالی، جنیست نداشتن نشانه‌ها روی صفحه رایانه در مقایسه با جوهر روی صفحه کاغذ، متن را از دفتری با ثبات به دفتری فرار تغییر مکان می‌دهد. همچنین متون دیجیتالی خود را به دست نویسندگان متعدد می‌سپارند. هر پرونده ممکن است بین اشخاص مختلف رد و بدل شود و هر شخصی روی متن کار کند و نتیجه آن باشد که در شکل گیری آن بر صفحه رایانه یا روی کاغذ چاپ شده، هیچ ردی از هویت اشخاص هویدا نباشد. علاوه بر آن، برنامه‌های متون مترکم خواننده را ترغیب می‌کند که به متن به مثابه میدان یا شبکه‌ای از نشانه‌ها بنگرد که می‌تواند در آن بندهای خود را به وجود آورد، بندهایی که ممکن است بخشی از متن شود و بنا به میل خوانندگان دیگر، ادامه یا تغییر پیدا کند. این متن که ممکن است هزاران نفر در آن تداخل و تصرف کرده باشند در دسترس هزاران نفر دیگر قرار می‌گیرد که خود نیز می‌توانند در آن تاثیر بگذارند.

خدمات پیام رسانی الکترونیکی (رایانه‌ای) نیز به نوبه خود، نوعی ارتباط را بنا نهاده است که آن هم، فرهنگ نگارش با دست و چاپ را واژگون می‌کند. مذاکرات رایانه‌ای، نوع دیگر از ارتباطات فراهم شده از طریق نگارش رایانه‌ای است که در آن می‌توان اطلاعات و اخبار زیادی را رد و بدل کرد. در این مورد، نوشته دیجیتالی جایگزین چاپ می‌شود، بلکه جای ملاقات‌های رو در رو و ارتباطات شفاهی را می‌گیرد. مذاکرات رایانه‌ای، لزوم تجمع اشخاص در یک زمان و مکان را

برطرف می‌کند. حتی امروزه بسیاری از گردهمایی‌های همزمان نیز با استفاده از این شیوه انجام می‌گیرد. (پاستر، ۱۳۷۷: ۱۳۶)

جمع بندی نظریات جامعه اطلاعاتی

ظهور فناوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطات گستره وسیعی را برای نظریه پردازی فراهم آورد. نظریاتی که در این راستا مطرح شدند به سه گروه عمده تقسیم می‌شوند:

گروه اول بر این باورند که جامعه اطلاعاتی پدیده جدید نیست و پیشرفت‌های جدید تکنولوژیک مانند گذشته در خدمت سرمایه داری، نابرابری اجتماعی و اقتصادی است. هربرت شیلر با نظریه نئو مارکسیسم میش آگلی یتا و آلن لی پایتز با نظریه سامان بخشی، دیوید هاروی با نظریه انباشت انعطاف پذیر، آنتونی گیدنز با نظریه دولت-ملت و خشنونت و یورگن هابرماس و نیکلاس گارنهام با نظریه گستره همگانی نظریه پردازان این گروه می‌باشند. (وبستر، ۱۳۸۳: ۱۸) این گروه عصر جدید را سرآغاز کنترل‌های بی رحمانه شهروندان معرفی می‌کنند و در عین حال که به هیچ وجه اهمیت کلیدی اطلاعات را در دنیای جدید انکار نمی‌کنند و حتی از پذیرش جامعه اطلاعاتی برای عصر رسانه‌های ارتباطی جدید بیمی به خود راه نمی‌دهند، اما بر استمرار مناسبات حاکم بر جامعه و ثبات آن از گذشته تاکنون اصرار می‌ورزند.

گروه دوم معتقدند در سایه پیشرفت‌های تکنولوژیک، جامعه‌ای با ساختار دموکراتیک شکل گرفته است، ارتباطات بین افراد و گروه‌ها در این جامعه افقی است، مردم به آگاهی‌های بسیار دسترسی دارند و الگوهای ارتباطات رسانه‌ای تغییر یافته. این اندیشمندان ظهور جامعه‌ای نو را نوید می‌دهند. جامعه‌ای که در آن تولید پیام از انحصار عده‌ای معدود خارج شده است. اندیشمندان این گروه به نقش رسانه‌های تکنولوژی‌های نوین توجه دارند و آثار آن را بر روابط میان فردی و گروهی و جامعه بررسی و بیان می‌کنند. از نظر این گروه در جامعه نو حاکمیت اصلی با رسانه-های الکترونیک است. نظریه پردازان این گروه عبارتند از: بل با نظریه فراصنعتی، ژان بودبار و مارک باستر با نظریه پست مدرنیسم، میشل پیو، چارلز سیبل و لری هریش هورن با نظریه تخصصی سازی انعطاف پذیر و مانوئل کاستلز با نظریه شیوه اطلاعاتی توسعه، کاستلز معتقد است در سایه فناوری‌های رایانه‌ای جامعه‌ای نو به نام جامعه شبکه‌ای ظهور نموده است. وی ظهور جامعه شبکه‌ای را نتیجه تحول رو به جلو در عرصه تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات می‌داند. وی معتقد است شبکه‌ها ریخت اجتماعی جدید جوامع ما را تشکیل می‌دهند و گسترش

منطق شبکه تغییرات چشمگیری در عملیات و نتایج فرآیندهای تولید، تجربه، قدرت و فرهنگ ایجاد می‌کند.

مارک باستر نتیجه این تحول تکنولوژیک را از بین رفتن جریان یک سویه پیام از فرستنده به گیرنده و شکل‌گیری ارتباط دو سویه از طریق رسانه‌های می‌داند که به زعم وی متعلق به عصر دوم رسانه‌های می‌باشند. وی معتقد است تغییرات گسترده و عظیم در نظام‌های ارتباطی به وقوع پیوسته است و نظام‌های ارتباطی جدید به مثابه راه حلی امیدوار کننده برای نیل به زندگی بهتر و جامعه‌ای با روابط عادلانه تر ارائه می‌شود.

گروه سوم، یان ودایک مزیت‌ها و محدودیت‌های جامعه اطلاعاتی را همزمان بیان می‌دارد. وی تحولات ناشی از فناوری‌های نوین را یکسره سیاه یا سفید نمی‌بیند. بدین ترتیب به هیچ کدام از دو گروه فوق تعلق ندارد و لازم است او را در گروه سوم جای دهیم وی اصطلاح جامعه شبکه‌ای را برای توضیح جامعه بهره‌مند از تکنولوژی‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی بر می‌گزیند. به زعم وی جامعه شبکه‌ای یک صورت بندی اجتماعی با زیر ساختی از شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ای است. این شبکه‌ها همه بخش‌ها و واحدهای جامعه را به یکدیگر مرتبط می‌سازند. وی خوشبینی کاستلز را مبنی بر دموکراتیک بودن فضای جامعه شبکه‌ای قبول ندارد. از نظر وی وجود فناوری ارتباطی باعث به خطر افتادن نظام‌های سیاسی توتالیتر سنتی و آگاهی‌های شهروندی شده است. اگر چه فناوری را از عوامل زمینه ساز ایجاد آزادی می‌داند اما همزمان آن را در خدمت کنترل و مقاصد امنیتی و سیاسی نظام‌های سیاسی معاصر نیز می‌بیند.

شکستن انحصار رسانه‌ای دولت‌ها

جهان امروز آن چنان از منظر وسایل ارتباطی گسترده شده که در هر جای دنیا می‌توان با وصل شدن به اینترنت و ورود به شبکه‌های اجتماعی و کنار هم گذاشتن اخبار آنها با پیمایش و پایش خبرها در راستی آزمایی آنها وارد و حقایق را حداقل به گونه‌ای نسبی ادراک کرد. امروزه می‌توان به خبرگزاری‌ها و رسانه‌های متعدد و متکثری از شرق تا غرب دنیا دسترسی داشت. به همان اندازه که دسترسی به فیسبوک امکانپذیر است، دسترسی به فرانس پرس، تی وی پرشیا، شبکه خبر جمهوری اسلامی و ... نیز ممکن است. تمامی این دسترسی‌ها تنها نیاز به یک گوشی تلفن همراه دارد. لذا اینکه بگوییم برخی از این شبکه‌ها به طور هوشمند سانسور

می‌کنند، یک گزاره غیر صادق است. گزاره صادق زمانی بروز می‌کند که بگوییم همه این شبکه‌ها بر مبنای سیاست گذاری ارباب، مدیران یا کارگزاران آن شبکه‌ها اخبار را به نفع خود برجسته و یا دروازه بانی می‌کنند. (مطهری نیا، ۱۳۹۷)

امروزه حتی افکار عمومی از طریق تشکل‌های مجازی و شبکه‌ها شکل می‌گیرد و جهت پیدا می‌کند و این تشکل‌ها از حقوق افراد خود دفاع می‌کنند و از طریق همین شبکه‌ها افراد تقاضای خود را به دولت‌ها منتقل و آنها را تحت فشار قرار می‌دهند. امروزه افراد و سازمان‌ها از طریق وسایل ارتباطی مردم را نسبت به مسائل حیاتی خود آگاه می‌سازند و به نحوی افکار عمومی را شکل می‌دهند. جنبش سبزه‌ها و فمینیست‌ها امروزه بیشترین استفاده را از وسایل ارتباط جمعی برای تحت فشار قرار دادن دولت‌ها در رعایت موازین زیست محیطی و حقوق زنان به کار می‌برند. سازمان‌های دفاع از حقوق بشر، کودکان، زندانیان و افراد تحت ستم امروزه از رسانه‌های ارتباطی به نحوی استفاده می‌نمایند که شکل‌گیری افکار عمومی، خارج از فیلترها، کانال‌ها و چارچوب رسمی دولت‌ها انجام می‌گیرد و همان‌طور که شاهدیم دولت‌ها به شدت توسط رسانه‌ها کنترل می‌شوند به نحوی که ادعا می‌شود رسانه‌ها در جامعه مدنی صرفاً واسطه میان دولت و مردم نیستند بلکه وظایف سایر نهادها را نیز بر عهده دارند و بحث از سیاسی شدن رسانه‌ها مطرح است. (برادران، ۱۳۷۸)

وسایل ارتباط جمعی در نهادینه ساختن پلورالیسم سیاسی، تبیین دیدگاه‌های احزاب مختلف و ترویج دموکراسی و... جایگاه ممتازی دارد، به خصوص در دوران گذار، کمک شایانی در پشت سر گذاشتن بحران می‌کند. چرا که از مولفه‌های اصلی دوران گذار، وجود رسانه‌هایی همگانی با رویکرد جمع‌گرا به ارزش‌های مدرن سیاسی و اجتماعی است. زیرا که تنوع و تکثر رسانه‌های همگانی، موجب ارائه راه کارهای کثرت‌گرایانه فرهنگی - سیاسی بر دگردیسی بنیادهای سنتی جامعه، عمیقاً تاثیرگذار است و موجب تسریع در روند جدید سیاسی و نهادینگی هنجار-های مدرن اجتماعی می‌شود. در واقع برجستگی و برآزندگی نقش رسانه‌ها به ویژه امروزه فضای مجازی در پیشرفت دموکراسی و تثبیت آن به عنوان یک الگوی مدرن سیاسی دارای نیرویی دگرگون ساز در روابط و هنجارهای متقین در سیاست و اجتماع است. امروزه در عرصه‌های سیاسی، فضای مجازی نقش غیر قابل انکار و موثر را دارا است. از بسیج عمومی و جهت دهی افکار عمومی تا کم به شیوه‌های حکومت‌داری، نظارت بر عملکرد و کارکردهای آرمان‌های دولتی، تقویت نهادهای مدنی، ترغیب شهروندان به مشارکت گسترده ملی، تحریک احساسات ملی و

سیاسی جامعه، بر ملا ساختن زد و بندهای پشت پرده در جریان‌های سیاسی، انتقال پیام و مطالبات مردم به دولت و منعکس ساختن فعالیت‌ها، برنامه‌ها و عملکردهای دولت در جامعه و ... برخی از صاحب نظران معتقدند که ابزار موجب جابجایی قدرت از دولت ملی به بازیگران غیر دولتی، فرا یا فروملی، شکستن انحصار کنترل و مدیریت دولت‌ها بر حجم عظیم اطلاعات، خدشه در سلسله مراتب‌های قدیمی، پخش و اشاعه قدرت میان گروه‌ها و افراد، غیر ملی شدن و غیر سرزمینی شدن اقتصاد و سیاست و... و در نهایت فرا رسیدن پایان عمر دولت - ملت هستند. (صدوقی، ۱۳۸۰) در چنین تغییراتی حکومت‌ها قدرت تصمیم‌گیری خود را کاملاً از دست داده و قدرت از حوزه حکومت به حوزه عمومی و مردم انتقال می‌یابد و مردم صاحب قدرت می‌شوند. به هر صورت تاثیرگذاری و نقش وسایل ارتباط جمعی به ویژه فضای مجازی در مسایل و قضایای سیاسی از مسلمات جهان امروز است و بخش بزرگی از رهبری سیاسی، اطلاع‌رسانی در مورد مسائل داخلی و جهانی معرفی سیاستمداران، ایجاد دگرگونی در ساختارهای مستبدانه دولت‌ها و ... به عهده گردانندگان این ابزارهاست و محتویات سیاسی این وسایل، حجم بزرگی از ذهنیت شهروندان در مورد مسائل سیاسی را به وجود آورده و سازمان‌دهی می‌کنند. در تاریخ معاصر، وسایل ارتباط جمعی در بقا و یا فنای دولت‌ها و دولتمردان تاثیرگذاری خاصی داشته و به کرات دیده شده که در جوامع دموکراتیک، رسانه‌ها نقش نیرو و اهرم فشار را به سوق دادن جریان‌های سیاسی بر عهده می‌گیرند. حتی صاحب نظران علوم ارتباطات هشدار داده‌اند که در حال حاضر سیاست‌های خارجی به وسیله وسایل ارتباط جمعی به ویژه فضای مجازی تعیین و جهت‌دهی می‌شوند که برای حاکمیت‌های ملی مفید و مطلوب نیست.

بحث و نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد در مورد نقش شبکه‌های اجتماعی در حوزه‌های عمومی دو رویکرد متفاوت متعارض وجود دارد. رویکرد اول معتقد است که اگر چه با ورود اینترنت به زندگی اجتماعی افراد، برخی تغییرات برجسته در چگونگی کارکرد دموکراسی اتفاق افتاده است، تصور نمی‌شود که این امر عاملی برای تغییرات گسترده سیاسی باشد. در این زمینه، مارگولیس^۱ و رسنیک^۲ (۲۰۰۰) معتقدند که در سال‌های اخیر، گفتمان سیاسی گسترده‌ای در درون فضای

^۱ - Margolis

^۲ - Resnick

اینترنت به وجود آمده است، چنانکه کنشگران اجتماعی می‌توانند در محیط آنلاین به سازماندهی خود، تبلیغات و حمایت از برخی احزاب و گروه‌ها بپردازند، اما آنان تاکید دارند که اینترنت باعث تغییرات مهم و اساسی در زندگی انسان نشده است و به همین دلیل، کمکی به بسیج سیاسی شهروندان نیز نمی‌تواند بکند. اینترنت همچنین نمی‌تواند شیوه‌های فعالیت سیاسی را تحت تاثیر قرار دهد. در این زمینه، حتی برخی از اندیشمندان از قبیل پوتنام^۱ (۱۹۹۵) از درباره جنبه‌های منفی رسانه‌های ارتباط جمعی در فرایند اجتماعی شدن و بسیج سیاسی شهروندان بحث می‌کنند و نشان می‌دهند که رسانه‌ها به طور بالقوه، منجر به انفعال سیاسی شهروندان می‌شوند و آنان را به تماشگران ساده زندگی سیاسی تبدیل می‌کنند.

برخی از شواهد موجود نشان می‌دهند که ماهیت دموکراتیک اینترنت و فضای مجازی با چالش‌های زیادی روبرو است. برخی از پژوهش‌ها از قبیل پژوهش تونر^۲ و دولیو^۳ (۲۰۱۱) حاکی از آن است اینترنت به جای گسترش و تقویت فعالیت‌های سیاسی، باعث از بین رفتن انسجام اجتماعی و سیاسی می‌شود، به این ترتیب که استفاده کنندگان از اینترنت و فضای مجازی، بیشتر به دنبال سایت‌ها و منابعی هستند که محتوای آنها با رویکردهای ایدئولوژیک افراد تشابه دارد. این امر باعث می‌شود تا تراکم دو قطبی‌های ایدئولوژیک بین شهروندان شدت یابد و آنان تنها با افرادی که ذهنیت مشترکی دارند، مشارکت کنند. به همین دلیل است که پژوهش‌های گروشک^۴ و دیمیترووا^۵ (۲۰۱۰) نشان می‌دهد که استفاده از رسانه‌های اجتماعی اینترنتی هیچ ارتباطی با افزایش دانش سیاسی، علاقه به مسائل سیاسی و شرکت در انتخابات ندارد. همچنین نتایج پژوهش تونر و دولیو (۲۰۱۱) نیز نشان می‌دهد که استفاده از شبکه‌های اجتماعی اینترنتی هیچ تاثیری بر روی نوع ارزیابی شهروندان در مورد نامزدهای انتخاباتی و عملکرد سیاسی آنان نداشته است.

بر مبنای این رویکرد، افرادی که زمان بیشتری را به کارهای اینترنتی اختصاص می‌دهند، احتمالاً کمتر به محیط اجتماعی خود توجه می‌کنند. به همین دلیل نای^۶ و همکاران معتقدند که اینترنت به لحاظ ماهیت، فعالیتی فردی محسوب می‌شود و احتمال تقویت هر نوعی از

1- Putnam

2- Towner

3- Dulio

4- Groshek

5- Dimitrova

6- Nie

مشارکت از طریق آن ضعیف است. همچنین فضای مجازی بیشتری از این که تنوع ارتباطات را تشویق کند به دنبال تجانس و همگنی است. فضای مجازی توسعه ارتباطات را تنها در میان گروه‌های همفکر تقویت می‌کند. بنابراین همانگونه که موتز^۱ (۲۰۰۲) استدلال می‌کند، شبکه‌های اجتماعی می‌توانند افراد را ترغیب به نوعی نگرش خاص نسبت به مسئولان حکومتی و مشارکت سیاسی کنند اما به دلیل تقویت دیدگاه‌های انزواطلبانه و عقاید قطبی شده نمی‌توانند منجر به مشارکت سیاسی واقعی شوند.

اما برخی دیگر از پژوهشگران معتقدند که عصر جدید فضای نوینی را به وجود آورده است، عصری که بر اساس آن اعتماد به گذشته در زمینه کارکرد دموکراسی دچار چالش شده است. بر این اساس تصور می‌شود که دموکراسی در گذرگاه تاریخی جدیدی قرار دارد و اندیشمندان به سختی می‌توانند اهمیت سیاست‌های الکترونیکی را نادیده بگیرند. بلومر^۲ و گورویچ^۳ (۲۰۰۰) نیز معتقدند که هر چند با تضعیف ساختارها و شیوه‌های سنتی و رسمی، دموکراسی قوی‌تری ظاهر نخواهد شد، به دلیل تقویت تضادها و ناهماهنگی‌های اجتماعی و فرهنگی و همچنین به چالش کشیده شدن موقعیت برتر دولت - ملت، اعتماد به نظریات و دیدگاه‌های سنتی کاهش خواهد یافت و این امر می‌تواند تاثیرات زیادی بر روی سیاسی شدن بیشتر مردم و شهروندان داشته باشد. در این زمینه، نوریس^۴ (۲۰۰۱) با فرا رفتن از نظریه بلومر و گورویچ معتقد است که اینترنت می‌تواند به آگاه‌سازی، سازماندهی، بسیج و مشارکت مدنی افراد و گروه‌های به حاشیه رانده شده، جوان‌ترها و اقلیت‌های سیاسی کمک کند. به اعتقاد وی، اینترنت با ایجاد فرصت‌های سیاسی، از قبیل کسب اطلاعات مرتبط با احزاب و گروه‌های سیاسی، دسترسی به گروه‌های سیاسی مجازی، اتاق‌های گفتگو، ارتباطات سیاسی دو سویه با مقامات حکومتی و فعالان سیاسی و غیره می‌تواند در بسیج و مشارکت مدنی شهروندان تاثیرگذار باشد.

1- Mutz

2- Blumler

3- Gurevitch

4- Nornis

فهرست منابع

کتاب

- برادران شرکا، حمیدرضا (۱۳۷۸)، نقش دولت در جهان در حال تحول بانک جهانی، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، چاپ اول
- تیموری، مریم (۱۳۹۶)، شبکه‌های اجتماعی، چاپ اول، تهران، انتشارات حریم دانش
- پاستر، مارک (۱۳۷۷)، عصر دوم رسانه‌ها، ترجمه غلامحسین صالح یار، تهران، موسسه ایران
- جلالی، علی اکبر (۱۳۸۴)، فناوری اطلاعات و کاربردهای آن در روابط عمومی (مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین‌المللی روابط عمومی در ایران) تهران، انتشارات کارگزار روابط عمومی
- صدوقی، مرادعلی (۱۳۸۴)، تکنولوژی اطلاعاتی و حاکمیت ملی، نشر وزارت امور خارجه
- علیرضا محمودی، همکاران (۱۳۹۶)، شبکه‌های اجتماعی: ابعاد و مفاهیم، تهران، انتشارات ساکو
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۹)، عصر اطلاعات، اقتصاد جامعه و فرهنگ پایان هزاره، جلد سوم، ترجمه احمد عقبلیان و افشین خاکباز، تهران، طرح نو، چاپ ششم
- مک کی، هیوم (۱۳۸۶)، تحقیق در جامعه اطلاعاتی، ترجمه رامین کریمیان، تهران، مرکز مطالعات و توسعه رسانه‌ها
- معتمد نژاد، کاظم (۱۳۸۴)، جامعه اطلاعاتی اندیشه‌های بنیادی، دیدگاه‌های انتقادی و چشم اندازهای جهانی، تهران، انتشارات مرکز پژوهش‌های ارتباطات
- مهدی زاده، سید محمد (۱۳۸۹)، نظریه‌های رسانه اندیشه‌های رایج و دیدگاه‌های انتقادی، تهران، همشهری
- وبستر، فرانک (۱۳۸۳)، نظریه‌های جامعه اطلاعاتی، ترجمه اسماعیل قدیمی، تهران، قصیده سرا، چاپ دوم

مقالات

- شکره خواه، یونس (۱۳۸۱)، جامعه اطلاعاتی؛ چند دیدگاه بنیادی، فصلنامه رسانه، سال شانزدهم شماره (۲) تابستان

خبرگزاری

- محمدپور، احمد (۱۳۸۵)، جامعه شبکه‌ای، ابعاد اجتماعی رسانه جدید، نشریه جهانی رسانه

(پایگاه نشریات الکترونیک دانشگاه تهران)، قابل دریافت در:

www.globalmediajournal.com

- مطهری نیا، مهدی (۱۳۹۷)، شبکه‌های اطلاعاتی و ارتباطی، گفتگو با ستاره صبح، شماره ۹۹۷،

تاریخ ۹۷/۱۰/۰۹

پایان نامه

- امیدوار، تابان (۱۳۹۱)، بررسی نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی بر سرمایه اجتماعی، پایان

نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی